

زمان، مکان با مکان، تفاوت می کند و نمی شود گفت اسلحه می تواند حرف اول رادر معادلات قدرت بزند؛ گاهی یک سازمان دینی خیلی موثر و قدرتمندتر از اسلحه کار می کند، گاهی یک روشنفکر به تنهایی بیشتر از یک ارش می تواند کار بکند. بنابراین من خودم به این مبنای نظری قایل نیستم ولی به هر حال این راه مدنظر داشتم که بینم ایا این موسسه و کسانی که در آن چیز می نویسند همه شان این طوری فکر می کنند؟ دیدم نه، شما به نوشته های دست اندر کاران این موسسه در سایت آن که نگاه کنید می بینید نه، همه شان هم به این معنی نتوانند این نویسنده را بینند که معتقد باشند قدرت فقط از اسلحه در می آید، نوشته های جور دیگر هم دارند و انواع و اقسام آدم ها هم اینجا استند. به آن بخش اسراییلی انتیتوم دقت کردم بینم ایا این به چه معنی است. چون من، به لحاظ شخصی، خودم ضد اسرایل نیستم و اول دفعه، چهار سال پیش در دانشگاه مشهد یک سخنرانی کردم و بعد هم در دانشگاه زنجان، آخرین بار هم در دانشگاه اهواز، در حول این موضوع، و به صراحت این نظرم را در ایران مطرح کردم و گفتم این حرف آقای خمینی که اسرایل باید از صلح روزگار محشو شود نه از لحاظ نظری حرف درستی است و نه از آن برای ما یک غول جدید ساخته اند! * ولی این حرف، به نظر من، ناشی از آن چه به بیماری «طرح توطئه» معروف است نیست و رفشار اعضا این موسسه رفتاری است که... سازگارا: یک عده ای... بگذرید این طور بگویم. چون من معمولاً دنبال میانی نظری می گردم، شاید بشود گفت کسانی را نام اسرایل نه منعطف خاصی داریم و نه دشمنی خاصی؛ نه آن هم مرزیم، مثل اردن و مصر و سوریه و لبنان، که بگوییم حالا یک جایی از خاکمان دستشان است. دعوای خاصی هم با اسرایل نداریم، لذا بقیه در صفحه ۳۳

* ظاهرا ایشان فارسی هم صحبت می کنند و همین طور چند زبان دیگر. سازگارا: بله، به فارسی هم حرف می زند، البته به سختی. ولی می تواند به اسلحه کار می کند، گاهی یک روشنفکر به تنهایی بیشتر از یک ارش می تواند کار کند. بنابراین من شاهدم که آقای کلاوسون زحمتی هم می کشند برای فارسی دانست و از وقتی من آمدام یک کمی هم فارسی شان بهتر شده است. در سایت آن ها مقالات آقای دنیس راس، آقای راب ستلف و دیگران را خواندم. در همان موقع چیز هایی هم شنیدم که می گفتند این ها نتوانند این را خواهند کردند و این موقعاً این حرف ایشان را خواهد کردند. اینها باید می بینند که این موقعاً این حرف ایشان را خواهد کردند. اینها باید می بینند که این موقعاً این حرف ایشان را خواهد کردند.

مقامات «واشنگتن انتیتوم» که حالتورا می شناسند و بالاخره یک موقع یک قدمکی هم برای تو برداشتند، علاقه مند هستند از تو دعوت کنند برای یک چند ماهی به عنوان همکار تحقیقاتی بیایی اینجا. لابد می دانید که این موسسه از این گونه همکاران زیاد دارد که برای سه تماس گرفتید؟ این جربان کی اتفاق افتاد؟ و قتی شما داخل ایران بودید یا وقتی که به خارج آمدید؟

سازگارا: من برای جراحی چشم ۶ ماهی اینجا بودم، ۱۰ هزار دلار به بندۀ دادند

دعوت «انتیتوم و اشنگتن» برای من خوب بود:

با یک آپارتمان دو خوابه و یک بیمه سلامتی. من هم مقابلاً تعهدم این بود که چند مقاله ناظر بر

امور سیاسی برایشان بنویسم...

ایجاد شده مثل... دیدم بکی از دوستان ایرانی مقاله ای نوشته بود که نتوانند این گار مثال یک جور فراماسیونری جدید هستند! وقتی آمدم و اشنگتن خیلی دنبال این حرف را گرفت تا بینم این چه جور جانوری است که حالا باز از آن برای ما یک غول جدید ساخته اند!

ماه، شش ماه و حداقل یک سال می آیند اینجا یک چیزی می نویسند و سخنرانی هایی می کنند در یک موضوع خاصی، به ویژه در باره مساله خاورمیانه، و اشنگتن خیلی دنبال این حرف را گرفت تا بعد می روند. اتفاقاً پس خاله ام به من گفت این نکته را هم بدان که این موسسه در واقع طرفدار... یعنی یک مقداری از بانیان از شهری که پس خاله من زندگی می کند اقامت دارد، صحبت می کند و می گوید اگر از دستت کاری بر می آید انجام بد. آن دوست هم چون «واشنگتن انتیتوم» را می شناخته همان موقع با آقای دنیس راس که یکی از اعضای این انتیتوم است در باره من حرف می زند. البته خیلی کسان دیگر هم محبت کرده بودند، به من کمک کرده بودند، برای ازادی من در ایران با چند نفر از سناورهای امریکایی صحبت کرده بودند اتاگر تو این می توانند کاری بکنند. به هر صورت من در لندن که بودم پس خاله ام تماس گرفت و گفت این دوست من گفت

کنیم. * آقای سازگارا، حالا می رسیم به مساله حضور و همکاری شما با «انتیتوم و اشنگتن» برای سیاست خاور نزدیک. شما چه کوهه با این موسسه آشنا شدید؟ آیا آنها با شما متماس گرفتند یا شما با آنها تماس گرفتید؟ این جربان کی اتفاق افتاد؟ و قتی شما داخل ایران بودید یا وقتی که به خارج آمدید؟

سازگارا: من برای جراحی چشم ۶ ماهی اینجا بودم، ۱۰ هزار دلار به بندۀ دادند راستم، که دوبار تابه حال جراحی شده، به لندن رفتم. انجام این عمل، باتبعاتش، نزدیک به یک سال طول کشید. آنچاکه بودم پس خاله ام با من تماش گرفت. او چهل سال است در آمریکا زندگی می کند، خانمش هم آمریکایی است و در اینجا به تجارت مشغول است. وقتی من زندان بودم او هم به سهم خودش، در عالم فامیلی، سعی کرده بوده اگر کاری از دستش بر می آید برای من بکند؛ منجمله با یک دوست آمریکایی خودش که او هم در همان شهری که پس خاله من زندگی می کند از دستور کار بیرون نمی رود و فقط می ماند این که شما چه جوری توجه مردم را جلب کنید، کمکشان کنید که بسیج بشوندو این را باور کنند. از این نظر که نگاه کنیم، شما کاملا درست فهمیده اید. یک وقت من می گویم انتخابات را تحیر کنیم برای این که می خواهیم توجه مردم را جلب کنم به این نکته که این روش به جایی نمی رسد. نمی خواهیم دوباره سرشان را کلاه بگذاریم. ما یک بار هشت سال پیش از سناورهای امریکایی صحبت کرده بودند اتاگر تو این می توانند کاری بکنند. به هر صورت می گوییم باید بسیج شوید برویم فشار بیاوریم که قانون اساسی را عوض

مسکونی - تجاری - ساختمانی

با سابقه اعتباری بد یا خوب

ADVANCE SECURITY MORTGAGE Corp.
Residential / Commercial / Construction

Bad Credit / Good Credit

- NO Income Verification**
- NO Down Payment**
- NO Income No Assets Program**
- NO Closing Cost For The Loan Amount Above \$250,000 For Refinance**

Commercial Loans Without Proof of Income.

Gas Station, Dry Cleaner, Restaurant, Warehouse, Office Building, etc.

Real Estate Property Must Be Involved

**Commercial and Residential Lot Loans
No Appraisal Fee for Residential Loans**

**Special Business Loan Designed Only
For Medical Doctors and Dentists.
Please Call For More Information.**

Purchase / Refinance

**بدون تایید میزان درآمد
بدون پرداخت پیش قسط
بدون گواهی درآمد و سرمایه
بدون هزینه محضری برای تجدید وام های بالای ۲۵۰ هزار دلار**

بدون نیاز به تایید میزان درآمد

**پمپ بنزین، لباسشویی، رستوران،
انبار، ساختمان اداری و غیره ...**

**در مورد وام های مربوط به خانه مسکونی،
هزینه ارزیابی دریافت نمی شود**

Nina Goodarzian
Phone: (703) 356-8884 Fax: (703) 356-8228
E-mail: asm@adsmortgage.com www.adsmortgage.com
8230 Old Courthouse Rd., #305, Vienna, VA 22182

بوده است.

* آیا این بورس تحقیقاتی راهم که شما زادنشگاه «ییل» گرفته اید و می خواهد آنچا تشریف برید از همین موسسه گرفته اید؟

سازگارا: نخیر.

* منظورم این است که آیا این موسسه زمینه آن را فراهم کرده است؟

سازگارا: نخیر. اینجا بوطی به آن داشکاه ندارد. تعهدی که من اینجا داشتم این بود که... من، حلالایخفا، مخفی نیست

نیست، چون از این موسسه مخفی نیست می گوییم، یک انگیزه اصلی ام که می خواستم بایام آمریکا برای معالجه قلبم بود. در لندن به من گفته بودند اگر بر روم

آمریکا بهتر است و شما می دانید که آمدن آمریکا کار حضرت فیل است، بلکه خود حضرت فیل هم اگریک وقت پارتی

نداشته باشد که برایش ویزا بگیرند تواند بیاید آمریکا. این است که دعوت این موسسه از این حیث هم برای من خوب بود.

یک شش ماهی که در اینجا بودم هزار دلار هم به بنده دادند بایک آپارتمان دو خوابه ویک بیمه سلامتی. من هم مقابلاً

تعهدم این بود که چندین مقاله ناظر بر امور سیاسی برایش بنویسم که پنج تا نوشته ام، یکی از آن ها مشترک بوده و چهار تا شاش را هم به استقلال نوشته ام. قرار است یک مقاله هفت هزار کلمه ای هم بر اشان بنویسم که تمام هم شده. آن مقاله های ناظر بر امور سیاسی همه شان تا الان متشرشده

و روی سایت «استیتو وشنگن» و سایت شخصی خود من هست؛ اتفاقاً دیدم هفته نامه شما یکی از آن ها را که به فارسی ترجمه شده و عنوانش «جنایت قانون» است اخیراً

چاپ کرده است.

* بله، خواندم آن را.

سازگارا: آن اولین مقاله ناظر بر امور سیاسی بود که من برای اینجانو شتم. آن

بقیه در صفحه ۴۱

سازگارا: من ضد اسراییل نیستم و اعتقادی به...

سایت این موسسه بود و بعد هم آراء شان

را جع به ایران که نگاه کردم دیدم بیشتر نوشته های آقای کلاوسون بود که بعضی هاش رانمی پسندیدم، هنوز هم نمی پسندم، ولی بعضی هاش هم خوب

است و به هر حال ایشان یک آدم است و بنده هم یک آدم هستم. کما این که آمدن من به اینجا در همین مدت - به گواهی آنچه در

مراسم خدا حافظی که دیر وز در اینجا برای این روز درند - روی من گرفته بودند رخ داد و بیان کردند - روی

ایران تاثیر گذاشت و تغیر داد. علی ایصال این راهم عرض بکنم که درین مثلاً ده تا

بیست «فکرانبار» و موسسات تحقیقاتی اینچوری که در واشنگتن دی سی هست، اینجا شاید یکی از عددود موسساتی باشد

که انحصار امتخصص خاور میانه است؛ یا درست تر گفته باش خاور نزدیک یعنی از

مراکش تا آسیا میانه رادر بر می گیرد و فقط خاور میانه نیست. همین الان که شما

اینجا تشریف دارید در این زاهرویی که محققین هر کدام یکی یک اتاق دارند و در آن نشسته اند، من ایرانی هستم، اتاق بغل هم

ایرانی است، اما اتاق بعدی ما مصری است، بعدی آمریکایی، بعدی ترکیه ای، بعدی باز آمریکایی است، بعدی اسرائیلی است، بعدی فلسطینی است. مادر اینجا

اردنی داریم و البته از ترکیه سه محقق الان در اینجا هستند. بنابراین در حوزه های مختلف از کشورهای مختلف خاور میانه

آدم اینجا هست. همین چند روز پیش هم بحث بود و گفتند که احتمالاً سعی خواهند کرد که بیش از گذشته هم محققین

غیر آمریکایی از کشورهای خاور میانه به اینجا بیورند. ضمناً من اولین ایرانی هم نیستم که اینجا بوده است.

* قبل از شما چه کسی بوده؟

سازگارا: قبل از من خانم آذر نفیسی

بقیه از صفحه

معلوم نیست چه مرضی باید داشته باشیم الاین که بدیل همان ایدیولوژی گرایی دهه چهل چسبیده ایم به مخالفت با

اسرایل. سیاست خارجی ما در ۲۷ سال گذشته، آمریکاییزی بوده، فلسطین

محوری بوده و ایدیولوژی گرایی به معنی دفاع از محرومین بوده، و نتیجه این کار این است که منافع ملی ما همیشه می تواند

قریانی هر کدام از این سه بشود و می بینیم که شده است. فلسطین محوری ما هم به شکل

دفع از گروه های تندروی فلسطینی بوده. حتماً شما می ایدان نزفته که ماسال های عرفات هم فحش می دادیم که خودش آدم تندری بود نسبت به آدم های عاقل تری

مثل آقای محمود عباس و دیگران بنا بر این، من چهار پنج سال پیش اول دفعه در سخنرانی خودم گفتم، نه، مایخودی نباید مشکلی با اسراییل داشته باشیم. در

برنامه های ریاست جمهوری هم که منتشر کرد هم بود نوشته بودم که عاقلانه ترین کار این است که بی طرفی را تاختادن و

موافق دو آشنه بشویم و نه مخالف دو آشنه. برویم لای دست بقیه کشورهای اسلامی و

تھ صفت باستیم ما که وسط دعوا نیستیم، هم مرز اسراییل نیستیم، هر کاری بقیه می کنند ما هم بکنیم، کاسه داغ تر از آش

نبایشیم. وقتی مجموع این چیز ها را در نظر گرفتم و خوب نگاه کردم دیدم نه من حیث المجموع این موسسه... چون

ملک قضاوت من حرف های شفاهی این و آن نیست، ملک من چیزی است که رسماً توی سایت این ها آمده است. آخر بعضی ها عادت دارند و قوی بهشان می گویند بتوان خدا نوشته اش این است می گویند نه توی دلش یک چیز دیگری است که توی نمی دانی! این که منطق نمی شود و به من هم ربطی ندارد. ملاک من نوشته های

همیشه در صفحه ۳۶

برقرار کردن اعتماد بین شهر و ندان و

مسئولین این مراکز، آگاه نمودن آن ها به اموری که رابطه مستقیم با بهبود زندگی فرد فرد آن ها و خانواده شان خواهد داشت.

۲- ارایه اطلاعات صحیح و بالا بردن آگاهی مردم درباره ارزش و فواید خانواده کوچک و فاصله گذاری بین موالید از طریق رسانه های عمومی.

۳- گنجاندن مطالبات مربوط به جمعیت و بهداشت باروری راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه ها.

۴- فراهم کردن امکان دسترسی همگان، به مناطق محروم و فقیر به خدمات بهداشت باروری و وسایل جلوگیری.

۵- بالا بردن سطح پوشش برنامه های مایه کربی بر علیه بیماری های دوران طفولیت و مبارزه با بیماری های کودکان به منظور تقلیل نرخ مرگ و میر اطفال و ایجاد اطمینان خاطر در والدین.

۶- تنظیم و اجرای برنامه های آموزش و مشاوره قبل از ازدواج و پس از زایمان به طوری که زوج های جوان بتوانند باعلم و آگاهی درباره تعداد فرزندان و فاصله تولید آنان خود تضمیم بگیرند.

۷- گسترش دامنه پوشش خدمات تامین اجتماعی برای همکان تازیاز مادی والدین به فرزندان به عنوان عصای روز پیری تقلیل یابد.

اگر برنامه های توسعه در قالب آن، برنامه های تنظیم خانواده به خوبی راه خود را دارند. و باوری به سطح کنترل شده ای بر سر (مثلاً ۱/۵-۱ فرزنده در هر خانواده) شاید در دهه آینده بتوان توازنی بین توسعه اقتصادی و فرهنگی و

جمعیت الزامی می سازد. زمانی برداشت شود، برای رسیدن به اثرات پر واضح است که هر گونه قدم مثبتی که برای جلوگیری از ازدیاد موالید در هر

مشتی، اقلانیاز به گذشت ۲۰ سال خواهد داشت.

فاجعه بزرگی به نام ..

بقیه از صفحه ۱۵

سال جمعیت ایران دو برابر گردد. بر این اساس و با یک برآورد تقریبی در حوالی ۴۰ سال آینده جمعیت ایران به ۲۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. مساله ای که مطرح می گردد این است که آیا ایران می تواند در چهل سال راحتی پذیرای یک جمعیت دویست میلیونی باشد؟ آیا پیشرفت تکنیک و

تکنولوژی رشد و توسعه اقتصادی را در دوران نسل آینده تسهیل خواهد کرد؟ درست است که جمعیت یکی از عوامل قدرت ملی و نیز توسعه اقتصادی است

جذب و استفاده موثر از نیروی کار و خلاقیت را در شرداد اشته باشد. آمار و ارقام کنونی نشان می دهد که تحویلات اقتصادی در سال های اخیر به سادگی جوابگویی را دریافت می کند.

۶- نبوده و ترجیح اخاذ سیاست های جمعیت همه جانبه ای را در جهت کنترل

با علم و آگاهی درباره تعداد فرزندان و پر اوضاع است که هر گونه قدم مثبتی که برای جلوگیری از ازدیاد موالید در هر

زمانی برداشت شود، برای رسیدن به اثرات مشتی، اقلانیاز به گذشت ۲۰ سال خواهد داشت.

راه کارها

برای کنترل ناموزون جمعیت از راه کارهایی که در سند سیاست جمعیتی اکثر کشورها پیش یابنی شده است می تواند موارد زیر اشاره نمود:

۱- ایجاد مرکز تجمع در روستاهای شهرها به منظور روبرو شدن مسئولین با تجربه و دلسوی و علاقه مندو ایشارگر، با شهر و ندان به گونه مستقیم و شفاف، گوش دادن به در دل های آن ها و به تدریج پس از

Bread & Kabob Restaurant

بوفه ناهار فقط \$7.99

با غذاهای خوشمزه ایرانی که به سبک خانگی تهیه می شود



دوشنبه تا جمعه: از ۱۱ و نیم صبح تا ۲ و نیم بعد از ظهر

هر جمعه و شنبه شب
دی جی
و
رقص عربی
جمعه ها:
از ۷ و نیم تا ۱۲ شب
شنبه ها:
از ۸ و نیم تا پاسی از نیمه شب
برای استفاده از برنامه های
هنری صرف خانه های

Phone:

703-255-9696



126 West Maple Ave.
Vienna, Virginia 22180

تاهمان اندازه که در حال بازگشیم ایرانی هستیم، تنها اگر در لحظه بازگشت و در پویه بازگشت مانند گاریمانیم.» معادله عشق به میهن همراه واقعیت «غمگین و شرمگین و پست» کننده آن، به خودی خود معادله‌ای ناممکن است. و ما «کمبود و ناشوندگی این معادله» را، بایک حرکت تاوایلی، با گذشته و فردا پر می‌کنیم.» ما همه سیاحیم... نوادگان همه جا، همیشه غریب، و در حال بازگشت او. حاج سیاح سرزمنش را رها کرد، به خیال خود آن را پشت سر می‌گذارد، اما ایران هم چنان با او پیش روی او می‌ماند، هر کجا که می‌رود و هر چه که می‌بیند، انگشتان همه چیز به سوی یک مقصد اشاره می‌کند و آن ایران است.»

دنیا سینما

۲۶ صفحه از بقیه

همکاری دوباره

کریستف نولان (کارگردان) و کریستین بیل (بازیگر) که «بتمن آغاز می‌کند» را ساخته‌اند، مجدداً به اتفاق فیلم تازه‌ای را شروع خواهند کرد اما این بار دنباله «بتمن» نیست بلکه فیلمی است با عنوان «پرستیز» (The Prestige) که در خصوص جادوگران قرن جدید است.

چرا فیلم‌های ایرانی...

۲۶ بقیه از صفحه
 پر فروش ترین فیلم در میان جماعت ایرانی
 مقسم خارج به حساب آورده فیلم های
 ایرانی با انتیابی کامل تمثیلگران مواجه
 گشته اند. بیشتر آن ها بی علاقه کم خود را
 موضوع های یک نواخت، بازیگران معین
 و ملال اور بودن فیلم های طور کلی،
 دانسته اند.

وارد کنندگان فیلم ایرانی دلیل اصلی عدم استقبال عامه مردم را ویدیو و یا DVD های قاچاق می دانند که زودتر از نمایش فیلم در دسترس همگان قرار می گیرد. با این حال، آیا فقط این است دلیل کم فروش بودن فیلم های ایرانی و یا خود فیلم هاست که دیگر مشتری ندارد؟

جدول این شماره

15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

A 10x10 grid of black and white squares, representing a crossword puzzle pattern. The grid contains several black squares (obstacles) and white squares (letters). The pattern is as follows:

Row 1: Black, White, White, White, White, White, White, White, White, Black
Row 2: White, White, White, Black, White, White, White, White, White, White
Row 3: White, White, Black, White, White, White, White, White, White, White
Row 4: Black, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 5: White, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 6: White, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 7: White, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 8: White, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 9: White, White, White, White, White, White, White, White, White, White
Row 10: Black, White, White, White, White, White, White, White, White, Black

۱۴- آزره و دلتگ- کتابی است از ابن بلخی.

۱۵- از وسایل ارتباط جمعی- سرزمینی که با بخشی دیگر تشکیل بریتانیای کبیر را داده است.

۶- فلز هادی- عصیق ترین چاه- بخشنده‌گی- پروردگاریکتا.

۷- در یک جاتوقف کرده و ایستاده- ستاره- از القاب آهونبار.

طرفداران آن را مفهومی گویند.

حل جدول شماره قیل

۹- کستره و عربیض - صدمه و کزند - منکر وجود خدا است.

۱۰- شهر ارگ - از گلهای خوشبو - سخن غیر جدی - عدد منفی.

۱۱- آسوده و نجات یافته - ناپیدا - بخاری مرکب از چهار پنجم ازت و یک پنجم اکسیژن.

۱۲- عزل و برکنار کردن - نی سست و میان تنهی - پرندهای است - جلال آل احمد آن را در میقات به رشتة تحریر کشید.

۱۳- پناه و زنهاری - زنگ کلیسا - ناف مان و فتنه و غوا.

خانہ ما کھاست؟

بقیه از صفحه ۱۳ همه بر بادرفته بود».

اگر تو س حاج سیاح راینگونه که او
دید به من نشناسانده بود من تنه اسفر نامه ای
دیگر خوانده و فراموش کرده بودم، و جلال
آل احمد و صادق هدایت راهم در غربت
مشترک شان نمی دیدم. جلال رانمی دانم،
ولی صادق از اندوه و حسرت وطنش
مرد. حاج سیاح را دوباره شاهد
می گیرم: «وقتی که انسان سفر می کند،
خصوصاً باشد خارج می رو و آن حب
وطن و افتخار و جانبازی هارامی بیندو
د. از این کار لذت می بردند.

دور از وطن و هموطنان می‌ماید،
قدروطن رامی داندو هر یک کلمه از مدرج
وطن و افتخار وطن از تمام نعمت‌های
عالیم در غرب برای او لذیدتر است. اگر
وطن خود را در مقایسه با جاهای دیگر...
پست و ذلیل بیند، غمگین و شرمگین و
پست می‌شود. از این است که اغلب با
علوم کسانی که بلاد متمدن را دیده‌اند
وطن خود را به افراط دوست داشته،
خیال‌الاتی برای ترقی و آبادی و عزت وطن
می‌کنند و وقتی که به وطن بر می‌گردند، تا
مشت و سیلی نخورده‌اند، هوای‌ها بلنند
در سردارند. بسیاری همین که مایوس
شدند جاده‌دار از اندوه و حسرت بمیرند،
چنان که بسیار جوانان با غیرت با این
حسرت مرده‌اند. آه وطن!»

برای آن که دچار وطن پرستی
احمقانه، که حاج سیاح با آن اصلاح‌دوستی

سفرارش هایی کرده بودند. این ها به من
گفتند که می توانند ۲۰ هزار دلار در یک
سال کمک مالی بدنهند بشرط این که یک
دانشگاهی هم به همان اندازه کمک بکنند و
من را بخواهد...

ادامه دارد

تاریخ صد ساله جنبش های...

۳۲ صفحه از بقیه

۳- کیومرث زرشناس، «سازمان جوانان حزب توده ایران»، در «چهل سال در سینگ مبارزه»، جلد اول، همانجا، صفحات ۱۶۵-۱۶۸.

در میدانی که صد نفر آدم در آن وجود دارند خود را بمب کمر بندی منفجر کند با فرض این که هر صد گرم مواد منفجره ۴ نفر را می کشد او چند کیلو مایل مواد منفجره باید به خودش بیندد؟ نمره اضافه برای تعداد زخمی ها!

* اگر در ایران هزار روزنامه وجود داشته باشد و روزی ۲ روزنامه جدید پر وانه انتشار بگیرد با توجه به این که هر هفته یکی از آن ها توقیف و ممنوع الانتشار می شود چند سال طول خواهد کشید که دیگر در ایران روزنامه ای وجود نداشته باشد؟

* اگر جمعیت ایران ۵۰ میلیون نفر حساب کنیم و روزی ۱۰۰ نفر در نقاط مختلف ایران اعدام و سنتگسار شوند چند سال طول خواهد کشید تا ایران از سکنه خالی شود؟ برای از دیدار نقوس سالی ۲ در

مصاحیہ سازگارا

بقيه از صفحه ۳۳
مقاله هفت هزار کلمه‌ی
هست «راه بی بازگشایی» که آن هم
دموکراسی» دیگر یا بدرو در مسیر
دانشگاه «بیل» موسسه‌ی
موسسه خیریه است و
محققین دانشگاهی که
است «خوانده می شود
زیر پوشش خوددار، م
گرفته است. آن‌ها معمو
خطره هستند تماس می
هم البته بعضی از دوست

خالی از شوخی

۲۱ بقیه از صفحه
آن ها که گفته اند که گذاشت
خمینی در صفحه ای
اسلامی کافی نیست و ب
از مسایل روز و دست او
اسلامی استفاده شود. به
در کتاب های ریاضی دیر
فروش سه تا پر تقال خری
مداد داشت (که در زمان
استفاده کرد. برخی از م
حساب ابتدایی پیشنهاد
می تواند باشد:

* آیت الهی انحصار
را صاحب شده است. ا.
برای هر مایشین ۴ میلیون
۵ درصد سهم امام به ره
خالص او چقدر خواهد
اما مازاده‌ای را
دارد، اگر هر زایر هفتاد
چشمیه آب امامزاده بینت
اما مازاده در سال چقدر
* اگر قیل از انتقال
دلار و تولید آن ۲ میلیون
اکنون که بشکه‌ای ۲
میلیون بشکه در روز اس
فروش نفت به حساب ی
می‌شود، حساب کنید د
رهبری را و در صد افزایی
سال ۵۷؟
* اگر داه طلب اس

نقد فيلم: زوال مقصوميت

وسایل ماشینی ساده، می خواهد فیلم های
مفرح بسازد و طی حدود ۹۷ دقیقه داستان
خود نگذاشته است که کمترین صحنه ای
هدایت نمود. داستان را لحظه توان باشگختی،
هر اس و هیجان است. موسیقی طنین دار
هاوارد شور هم احساس آدم هایی را که در
نفس بیم و حشت گرفتار آمده اند، به
خوبی القامی کند.

حقیقت دنیایی که برای آن‌ها کاملاً عوض شده و شاید بتوان گفت به زوال معمصومیت هارسیده است. لحظات تاثیرگذار بطبیعت ادامه و پرسنون جوان او (جک) «بازی آشتنون هولمز» که بچه‌ای گیج و پریشان است و می‌خواهد خود را وارد دنیای بزرگ سالان کند.